



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۴، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱



شواهدی از حضور فرهنگ حسونا در غرب زاگرس مرکزی (تپه نظرگه شهرستان سرپل ذهاب)

ناصر امینی‌خواه^۱، فرهاد فتاحی^۲

DOI: 10.30495/peb.2022.699719

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۰

چکیده

فرهنگ حسونا مربوط به اواخر دوران نوسنگی است که بازه زمانی ۶۰۰۰-۵۳۰۰ ق.م را در بر می‌گیرد و یکی از فرهنگ‌های اولیه روستانشینی در زاگرس به شمار می‌رود. پس از کشف و کاوش تپه حسونا در شمال بین‌النهرین، به دلیل اهمیت یافته‌ها، این فرهنگ به عنوان شاخصی برای دوران اولیه روستانشینی زاگرس در نظر گرفته شد. تاکنون شواهدی از فرهنگ حسونا در شمال غرب و اخیراً در شرق زاگرس به دست آمده است که نشان از پهنه وسیع گسترش این فرهنگ است. با این حال، تاکنون شواهدی از حسونا در زاگرس مرکزی به خصوص مناطق غربی آن یافت نشده است. در پاییز ۱۴۰۰ بررسی نجات‌بخشی محدوده سد هواسان شهرستان سرپل ذهاب به سرپرستی ناصر امینی‌خواه به انجام رسید. این پژوهش اهداف مختلفی را دنبال می‌کرد که یکی از مهمترین آن‌ها مطالعه برهم‌کنش‌های احتمالی فرهنگی منطقه با مناطق مجاور و بالاخص بین‌النهرین بود. یکی از وجوه محرز فرهنگ حسونا، نوعی سفال موسوم به «سینی پوست کنی» است که برای اولین بار از لایه ۲ تپه حسونا به دست آمد. وجود قطعات سینی پوست کنی بر روی تپه نظرگاه، به پرسش ما درباره وجود ارتباط زاگرس با بین‌النهرین آن هم در یکی از مهمترین دوران تاریخی پاسخ داد. در این مقاله، علاوه بر معرفی مواد فرهنگی تپه نظرگاه، به دلایل اهمیت محدوده تحت بررسی نیز پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: حسونا، نوسنگی، زاگرس مرکزی، سرپل ذهاب.

* استناد: امینی‌خواه، ناصر، فتاحی، فرهاد (۱۴۰۱). شواهدی از حضور فرهنگ حسونا در غرب زاگرس مرکزی (تپه نظرگه شهرستان سرپل ذهاب). پیام باستان‌شناس، ۱۴ (۲۶)، ۱۹-۳۲.

^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران. نویسنده مسئول: naseraminikhah@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، کرمانشاه.

مقدمه

حسونایی که در تمامی محوطه‌های حسونایی به دست آمده، سفالی موسوم به «سینی پوست کنی» است.

به گونه‌ای که می‌توان محوطه‌هایی که دارای این نوع سفال است را با دوره حسونا مرتبط دانست. این نوع سفال برای اولین بار از لایه II تل حسونا به دست آمد. این سفال‌ها خشن و دارای پرزهایی در کف و شیاری در قسمت داخلی بدنه هستند که با توجه به شکل ویژه آن‌ها، این پیشنهاد ارائه شده که جهت جدا کردن پوسته غلات، مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

اکثر محوطه‌ای که دارای فرهنگ حسونایی هستند، مربوط به اقلیم گُردستان عراق نظیر تل حسونا، یاریم تپه ۱، کویونجیک، الخان، حاجی لیق، عزو، تل ابوظهیر (ماتیوز، ۱۳۹۳: ۲۰۰) هستند. سپس نمونه‌های دیگری از جنوب ترکیه و ایران نیز به دست آمدند. شاخص‌ترین محوطه حسونایی که از ایران به دست آمده است، تپه حاجی فیروز در شمال غرب است. با این حال، تاکنون هیچ محوطه‌ای از زاگرس مرکزی در رابطه با فرهنگ حسونایی گزارش نشده است و این ذهنیت وجود دارد که زاگرس مرکزی در حوزه نفوذ فرهنگ حسونایی قرار ندارد؛ این در حالی است که به لحاظ ارتباط فرهنگی در ادوار مختلف زاگرس مرکزی بیشتر از دیگر مناطق ایران با بین‌النهرین (بالاخص بین‌النهرین شمالی) در ارتباط بوده و یا از همدیگر تأثیر و تأثر پذیرفته‌اند. با کشف این محوطه، مشخص می‌شود که فرهنگ حسونا پهنه وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شود را در بر می‌گیرد. در این مقاله، به معرفی تپه نظرگه و همچنین مقایسه سفال‌های به دست آمده از این محوطه با محوطه‌های مهم حسونایی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در واقع، تا قبل از این مقاله، هیچ محوطه‌ای از زاگرس مرکزی که دارای فرهنگ حسونایی باشد، گزارش نشده است. برای نخستین بار فرهنگ حسونا در ایران از تپه

سرپل ذهاب، واقع در غرب زاگرس مرکزی و استان کرمانشاه، منطقه‌ای مرزی میان ارتفاعات زاگرس و دشت‌های پست بین‌النهرین است. این منطقه، به دلیل موقعیت راهبردی و قرارگیری در امتداد شاهراه خراسان بزرگ، از سوی برخی از شرق شناسان به عنوان دروازه آسیا شناخته شده است (Herzfeld, 1920).

اهمیت این مناطق بینایی در مطالعات باستان‌شناسی بر کسی پوشیده نیست و با توجه به توان‌های زیست محیطی فزاینده منطقه و اهمیت مناطق هم‌جوار، منطقه مهمی در مطالعات باستان‌شناختی به شمار می‌رود. به طور کلی، این محدوده، همواره به عنوان یکی از نقاط بسیار کلیدی ارتباط ارتفاعات و دشت‌های میان‌کوهی زاگرس مرکزی و سرزمین‌های پست بین‌النهرین، مهم و مورد توجه بوده است. وجود آثار متعددی از ادوار مختلف در منطقه سرپل ذهاب در ارتباط با بین‌النهرین، خود، گویای ارتباط مدام این دو پهنه در طی دورانی طولانی مدت می‌باشد. از جمله آن‌ها، می‌توان به نقوش آنوبانی نی و نیز نقش برجسته‌های درون دهل در نزدیک کوه بمو (Alibegi et al., 2020) اشاره کرد. این ارتباطات، تنها به دوران تاریخی محدود نبوده و در دوران پیش از تاریخی نیز بر دوام بوده است. دوره فرهنگی حسونا، نام خود را از محوطه باستانی تل حسونا در شمال بین‌النهرین می‌گیرد (ماتیوز ۱۳۹۳: ۱۸۶) که برای اولین بار بقایای مادی و فرهنگی قابل توجهی از آنجا در حدود نیمه قرن بیستم میلادی کاوش و گزارش شد (Lloyd & Safar, 1945). شواهد و مدارک نشان می‌دهد که حسونا، مرحله پیشرفته‌ای از یک دهکده کشاورزی بود و به اوایل هزاره ششم ق.م. تعلق داشت (مجید زاده، ۱۳۸۸: ۴۰). به عبارتی، فرهنگ حسونایی یکی از فرهنگ‌های اولیه روستانشینی در زاگرس به شمار می‌رود (بلمکی، ۱۳۹۸). یکی از شاخصه‌های فرهنگ

شرقی واقع شده است. این دشت از شمال به ازگله، از غرب به کوه سلمانه، از شرق به کوه گاری، از جنوب غرب به کوه باخه کو (Baxa ko) و از جنوب شرق محدود به کوهستان دالاهو است. محدوده بررسی، نزدیک به نیمی از دشت جگیان را شامل می‌گردد و شامل بخش شمال، غرب و بخشی از مرکز دشت می‌شود.

مهم‌ترین راه ارتباطی به این دشت، جاده آسفالتی سرپل ذهاب به ازگله است؛ که این جاده در سرپل ذهاب به جاده آسفالتی کرمانشاه - خسروی متصل می‌گردد. جاده کرمانشاه - خسروی پس از گذشتن از شهرهای اسلام‌آباد غرب، کرند غرب، سرپل ذهاب و قصر شیرین وارد خاک عراق می‌گردد. درواقع، این جاده، درست همان مسیر راه خراسان بزرگ است. راه ارتباطی دیگری که این منطقه را به بین‌النهرین متصل می‌کند، از کنار رودخانه هواسان و کوه سلمانه و کوه بمو می‌گذرد. این مسیر، امروزه ارزش گذشته خود را از دست داده است، اما با توجه به شواهد و قراین موجود در گذشته، بسیار حائز اهمیت بوده است؛ به طوری که آثار باستانی متعددی در نزدیکی این راه وجود دارد. از جمله می‌توان به دو نقش برجسته موسوم به درون دهل، دیوار گوری، نقش برجسته سراب سی خان، نقش برجسته و کتیبه درون بیلوله در گوردستان عراق اشاره نمود.

تپه نظرگه

این تپه، در غرب روستای دله خشک کدخدا عزیز قرار داشته و از آن ۶۸۲ متر فاصله دارد. جاده آسفالتی روستا به سرپل ذهاب از جنوب تپه می‌گذرد. همچنین این محوطه در شرق رودخانه علی آقایی و به فاصله ۷۶۲ متری از آن قرار دارد. مختصات جغرافیایی این تپه در طول جغرافیایی: "E:45°47'39.1" عرض جغرافیایی: "N:34°46'09.8" قرار دارد و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۵۱۹ متر است. تپه نظرگه، یک تپه طبیعی است که بخشی از آن ساختار صخره‌ای از جنس سنگ ماسه رسوبی است. سطح تپه

حاجی فیروز به دست آمد. این تپه، در دره سولدوز در جنوب غربی دریاچه ارومیه قرار دارد. حفاری در تپه حاجی فیروز برای اولین بار به سرپرستی چارلز برنی، در سال ۱۳۳۷ شمسی (۱۹۵۸ م.) انجام شد. سپس در سال ۱۳۳۹ و ۴۰ (۱۹۶۰-۶۱) کایلر یانگ این تپه را کاوش کرد و در نهایت، در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸ م.) کاوش به مقیاس وسیع، به سرپرستی مشترک رابرت دایسون و خانم مری ماتیلدا وویت انجام گرفت (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۲۸۸). بر اساس نوشته‌های «مری وویت»، فرایند نوسنگی شدن منطقه، برآیند مهاجرت مردمان پهنه فرهنگی حسونا در شمال بین‌النهرین به پیرامون دریاچه ارومیه بوده است که در ساحل غربی دریاچه ارومیه ساکن شدند (Voigt, 1983). اخیراً و در سال ۱۳۹۹ تپه الله قلی خان لیلان به سرپرستی اکبر عابدی، گمانه زنی و تعیین حریم گردید که به گفته وی، آثاری از فرهنگ حسونا از این مکان به دست آمده است.

بهزاد بلمکی در مقاله‌ای تحت عنوان «شواهدی از نفوذ فرهنگ حسونا به شرق زاگرس مرکزی» از مکان‌هایی نام می‌برد که به گفته وی، دارای سفال‌ها شبه حسونایی است (بلمکی ۱۳۹۸).

محدوده بررسی و دشت جگیان

سرپل ذهاب، دارای چندین دشت مهم است که به لحاظ کشاورزی و دامداری، از گذشته تاکنون، دارای اهمیت بسیار زیادی هستند. به خصوص این که به نحوی مسیرهای ارتباطی اغلب از میان همین دشت‌های میان کوهی می‌گذرد. یکی از این دشت‌ها، دشت جگیان، واقع در منتهی‌الیه شمال و شمال شرق شهرستان سرپل ذهاب است. دشت جگیان به وسعت تقریبی ۵۳۹۷ هکتار و در ۳۹ کیلومتری شمال شهر سرپل ذهاب بین عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه شمالی و طول‌های ۴۵ درجه و ۴۹ دقیقه و ۴۵ درجه و ۵۶ دقیقه

متوسط خشن هستند. به غیر از دو مورد شاموت، همه آنها گاه است. همگی فاقد تزیین هستند. مصنوعات سنگی از دیگر یافته‌های سطح این محوطه است که اغلب شامل تیغه، دورریز می‌شوند. جنس همگی از سنگ چرت بوده و در طیف‌هایی از رنگ‌های قهوه‌ای، سفید و خاکستری قرار دارند. اکثراً دارای رتوش هستند که بیشتر در یک لبه قابل مشاهده است. لازم به ذکر است که برخی از آنها دارای رتوش در هر دو لبه هستند.

گستره فرهنگ حسونا

نام فرهنگ حسونا از تپه‌ای به همین نام که در ۳۵ کیلومتری جنوب موصل قرار دارد، گرفته شده که در طی سالهای ۴۳-۱۹۴۱ م. به سرپرستی ستون لوید و فواد صفر کاوش شد (Safar & Lloyd, 1945). اکثر شواهد به دست آمده از فرهنگ حسونا از شمال بین‌النهرین که شامل اقلیم کردستان عراق و جنوب شرق ترکیه امروزی و شرق سوریه به دست آمده است. تنها محوطه حسونایی به دست آمده از ایران، تپه حاجی فیروز است (Voigt, 1983: 101-2) که در شمال غرب قرار دارد. شواهد فرهنگی دوره حسونا در پهنه وسیعی از شمال بین‌النهرین از منطقه مندلی در شرق مرکزی عراق تا دشت جابول در جنوب شرقی سوریه به دست آمده است (Thompson, 1933: 34). تعدادی سفال نوع حسونا در شرق جبل حمرین که نسبت به تل حسونا آب وهوایی اندک متفاوت دارد، به دست آمده است.

همچنین، «بریدوود» و «هاو» در تل الخان در شرق نینوا، در ساحل یکی از شاخه‌های زاب علیا، مرحله جدیدی از دوره حسونا را گزارش کرده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۴۰). کاوش در تپه متارا در که توسط رابرت بریدوود انجام گرفت، آثاری از دوره حسونا را آشکار ساخت (Braidwood et al., 1952). یاریم تپه (Yildirim & Gates, 2007: 283) در کردستان عراق، حاکمی اوز در جنوب شرق ترکیه

دارای مساحتی معادل ۴۱۷۳ مترمربع است که با شیب تند در بخش غربی و شمالی به آبراهه و زمین‌های اطراف منتهی می‌گردد. تپه در بخش شرقی دارای شیبی ملایم است که مناسب‌ترین راه برای دسترسی به سطح تپه نیز از این قسمت است. جاده آسفالت منتهی به روستا، سبب شده که بخشی از تپه تخریب شود اما، خوشبختانه این تخریب شمال رأس تپه و بخش اصلی محوطه نمی‌شود.

یافته‌های بررسی

طی بررسی محوطه، تعداد زیادی قطعات شکسته ظروف سفالی و ابزارهای سنگی مشاهده گردید؛ که به منظور مطالعات بعدی، تعدادی از آنها انتخاب و نمونه برداری گردید. تمامی این قطعات از بخش‌های مختلف تپه خصوصاً در شیب دامنه که به سبب شسته شدن خاک سطح تپه، آشکار شده بودند، گردآوری شد. به منظور درک ویژگی‌های کلی مجموعه سفال‌های مورد مطالعه، شناخت ویژگی‌های فنی سفال، همچون رنگ خمیره، پوشش، شاموت، تکنیک ساخت، پخت، تزیینات و متغیرهای مهم دیگری چون فرم و شکل سفال ظرف ضروری است. به همین دلیل، مطالعات دقیقی بر روی یافته‌های گردآوری شده بر روی تپه صورت گرفت و سپس با محوطه‌های هم دوره که دارای مواد مشابهی هستند مقایسه گردید؛ تا بتوان نتیجه حاصل را با اطمینان بیشتری ارائه دهیم.

از این محوطه، تعداد ۲۰ قطعه شکسته سفال جمع‌آوری شد که به بخش‌های مختلف ظروفی مانند کاسه‌های کوچک و بزرگ، دیگ، سینی و سینی پوست کنی تعلق دارند. تمامی سفال‌ها دست ساز هستند. رنگ خمیره اکثر آنها نخودی است و با تکنیک دست مرطوب پرداخت شده‌اند. بیشتر آنها در دمای نامناسبی پخته شده‌اند و به لحاظ کیفیت ساخت، ظروف کوچک‌تر متوسط و ظروف

دشت‌های آبرفتی بین‌النهرین و نواحی تپه‌ماهوری شمال آن به شمار می‌رفته است. مدارک باستان‌شناختی نشان می‌دهد که مرزهای فرهنگی ایران و بین‌النهرین در طول تاریخ همواره دست‌خوش تغییراتی بوده و نمی‌توان مرزهای فرهنگی این دو سرزمین را به ویژه در دوره پیش از تاریخ و آغاز تاریخی ثابت دانست (Alibeigi et al., 2020). به ویژه این که با توجه به شباهت جغرافیایی و آب و هوایی منطقه سرپل ذهاب با بین‌النهرین سبب گشته که برخی از باستان‌شناسان این منطقه را جزو سرزمین بین‌النهرین محسوب کنند و یا این که در گزارش‌های مورخان و سیاحان متعددی از آن به عنوان (شهر یا منطقه) مرزی میان فلات ایران و سرزمین‌های پست بین‌النهرین یاد شده است و همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است (Levin, 1973: 24-27). شباهت‌های فرهنگی و ارتباطات میان بین‌النهرین و فلات ایران در این منطقه جغرافیایی بسیار مشهود بوده و مختص به دوره خاصی نیست. آنچه که به استناد متون میخی تاکنون به دست ما رسیده این است که حداقل از اواخر هزاره سوم پ.م. و زمان اور نَمو تا پایان دوره آشور نو یعنی دوره فرمانروایی آشوربانی‌پال این درگیری‌ها کم و بیش ادامه داشته و معمولاً به یاد چنین پیروزی‌هایی حاکمان پیروز بین‌النهرینی در خاک زاگرس نقوش برجسته‌ای ایجاد و یا سنگ یادمان‌هایی بر پا کرده‌اند (Alibeigi et al., 2020). چهار نقش برجسته (Vanden Berge, 1983: 19- 21; Börker-Klähn, 1982: No. 30- 32 and 34; Kozad Ahmed, 2012: 317, 311, 255) مربوط به اوایل هزاره دوم پ.م. چنین وضعیتی را تأیید می‌نماید. با این حال، کشف سنگ یادمان سراب سی‌خان از گله (Biglari et al., 2018) و سنگ یادمان بمو (راد، ۱۳۳۴: ۳۱۶، شکل ۸، Hintz, 1966) و نیز نقوش برجسته درون دَهول (Alibeigi et al., 2020) در نزدیک محدوده بررسی، حاکی از اهمیت منطقه برای بین‌النهرینی‌ها بوده است. با کشف شواهدی از فرهنگ

(Tekin 2007) نیز دیگر محوطه‌های مربوط به این دوره هستند. بلمکی اخیراً در مقاله خود با عنوان «شواهدی از نفوذ فرهنگی حسونا به شرق زاگرس مرکزی» نمونه سفال‌های مشابه سینی پوست‌کنی حسونا را در دشت‌های همدان پیدا کرده است که می‌تواند شواهدی از نفوذ فرهنگی آن در حدود هشت سده بعد در منطقه شرق زاگرس مرکزی باشد (بلمکی، ۱۳۹۷).

سینی پوست‌کنی

از شروع لایه II حسونا، سفال جدید و جالبی پدیدار می‌شود. این سفال، یکی از انواع ظروف آشپزخانه‌ای است که به گونه‌ای گسترده در مناطق بیرون از مرزهای فرهنگ حسونا انتشار یافته است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۳۹)؛ این سفال، یک سفال بزرگ و مسطح با کف مقعر است که معمولاً حدود ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر طول دارد. لبه‌های آن با شیب ملایم به خارج در حدود ۱۵ سانتیمتر است و تمامی سطح داخلی آن دارای زائده‌های برجسته و شیارهای عمیق یا سوراخدار یا دارای قطعات افزودهای است که به شکل گل‌برجسته و نوک تیز ساخته شده است (Safar & Lloyd, 1945: 277). این سفال دست‌ساز بوده و دارای شاموت کاه خرد شده است. نمونه‌های مشاهده شده در تپه حاجی فیروز به شکل دیس‌های بیضی شکل با کف تخت است که سطح خارجی آن‌ها صاف و سطح داخلی آن‌ها دارای برجستگی‌های پرزمانند کوچک و نزدیک به هم است. قسمت‌هایی از سطح خارجی این ظروف، دودزده است که حاکی از آن است که از این نوع ظروف، برای پخت و پز استفاده می‌شده است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، کوهستان زاگرس و سرزمین‌های شرق بین‌النهرین منابع بسیار با اهمیتی برای مردمان ساکن در

Ahmed, K. M. (2012). *The beginnings of ancient Kurdistan (c. 2500-1500 BC): a historical and cultural synthesis*. Doctoral dissertation, Leiden University.

Alibaigi, S., Aliyari, S., MacGinnis, J., & Aminikhah, N. (2020). Longitude 45° East: New Evidence for one of the Oldest Political Frontiers in the Ancient World. *Journal of Near Eastern Studies*, 79(1), 21-40.

Biglari, A., Alibaigi, S., & Beyranvand, M. (2018). The Stele of Sarab-e Sey Khan: A Recent Discovery of A Second-Millennium Stele on The Iranian– Mesopotamian Borderland In The Western Zagros Mountains. *Journal of Cuneiform Studies*, 70, 27-36.

Börker-Klähn, J. (1982). *Alt Vorderasiatische Bildstelen und vergleichbare Felsreliefs/Tafeln*. *Alt Vorderasiatische Bildstelen und vergleichbare Felsreliefs*, 4.

Braidwood, R. J., Braidwood, L., Smith, J. G., & Leslie, C. (1952). Matarrah: A southern variant of the Hassunan assemblage, excavated in 1948. *Journal of Near Eastern Studies*, 11(1), 1-75.

Hintz, W., (1966). *Nachlese Elamischer Denkmäler*. *Iranica Antiqua VI*, 43-47.

Levine, L. D. (1973). Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros—I. *Iran*, 11(1), 1-27.

Lloyd, S. & Safar, F. (1945). Robert J. Braidwood, Tell Hassuna Excavations by the Iraq Government Directorate General of Antiquities in 1943 and 1944. *Journal of Near Eastern Studies*, 4(4), 255-289.

Roaf, M. (1990). *Cultural atlas of Mesopotamia and the ancient Near East*. Facts on File.

Tekin, H. (2005). Hakemi Use: a new discovery regarding the northern distribution of Hassunan/Samaran pottery in the Near East. *Antiquity*, 79(303), 122.

Thompson, S., Campbell, R., & Mallowan, M. E. L. (1933). The British Museum Excavations at Nineveh, 1931–32. *Annals of Archaeology and Anthropology*, 20, 71-186.

Vanden Berghe, L. (1983). *Reliefs rupestres de l'I...* Brussels: Musees Royaux d' Art et d'Histoire.

Voigt, M. M. (1983). *Hasanlu, Volume I: Hajji Firuz Tepe, Iran-The Neolithic Settlement* (Vol. 1). UPenn Museum of Archaeology.

Yıldırım, B., & Gates, M. H. (00))) . Archaeology in Turkey, 2004-2005. *American Journal of Archaeology*, 111(2), 275-356

حسونا در این منطقه می‌توان دریافت که دامنه این ارتباطات در دوران نوسنگی نیز وجود داشته است. در واقع، این نخستین محوطه مربوط به فرهنگ حسونا می‌باشد که در زاگرس مرکزی به دست آمده است و تا قبل از این، تصور می‌شد که گستره فرهنگ حسونا در ایران، تنها محدود به شمال غرب است. نکته حائز اهمیت در خصوص مواد فرهنگی تپه نظرگه، شباهت چند گونه مختلف علاوه بر سینی پوست کنی است، که نشان دهنده شباهت این مکان از جنبه‌های مختلفی با فرهنگ حسونا است.

سپاسگزاری

از خانم‌ها ساینه امینی‌خواه و ناهید ثقفی، بابت طراحی یافته‌ها و همچنین از آقای دکتر هیوا ویسی بابت ابراز نظر در خصوص متن انگلیسی چکیده سپاسگزاریم.

منابع

بلمکی، بهزاد (۱۳۹۸). شواهدی از نفوذ فرهنگی حسونا به شرق زاگرس مرکزی. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۹(۲۰)، ۲۰-۷.

راد، محمود (۱۳۳۴). اطلاعاتی اجمالی در مورد چند محل تاریخی در مغرب ایران. *گزارش‌های باستان‌شناسی*، ۳، ۳۱۶-۳۰۹.

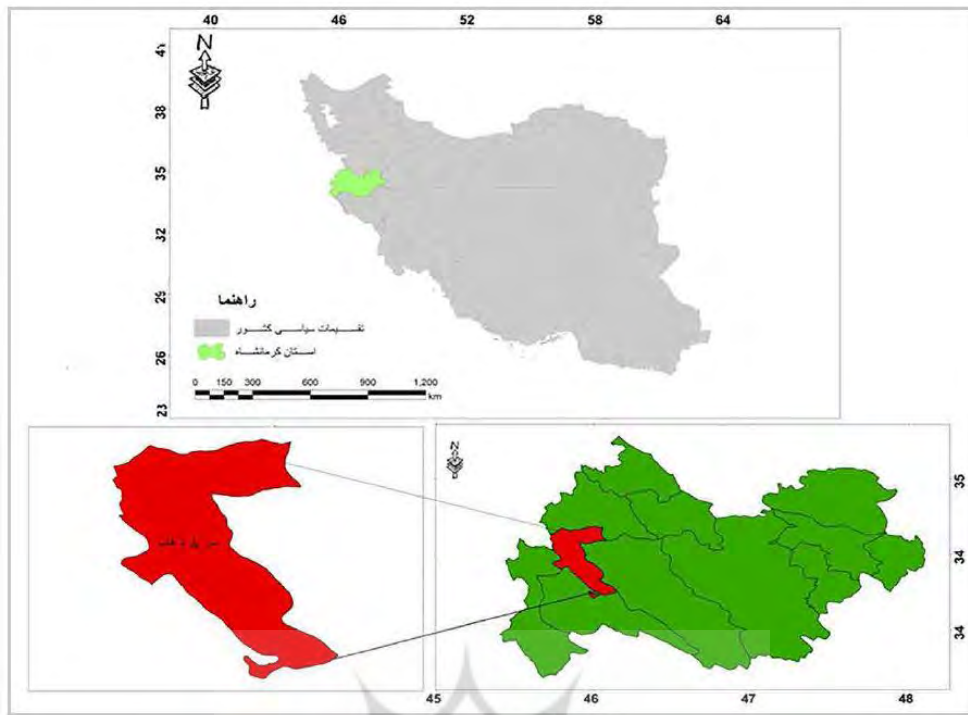
ماتیوز، راجر (۱۳۹۳). *پیش از تاریخ دیرین بین‌النهرین از دوره پارینه‌سنگی دیرین تا پایان دوره فرهنگی حلف*. ترجمه بهرام آجرلو. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*. جلد اول: تاریخ سیاسی. تهران: نشر دانشگاهی.

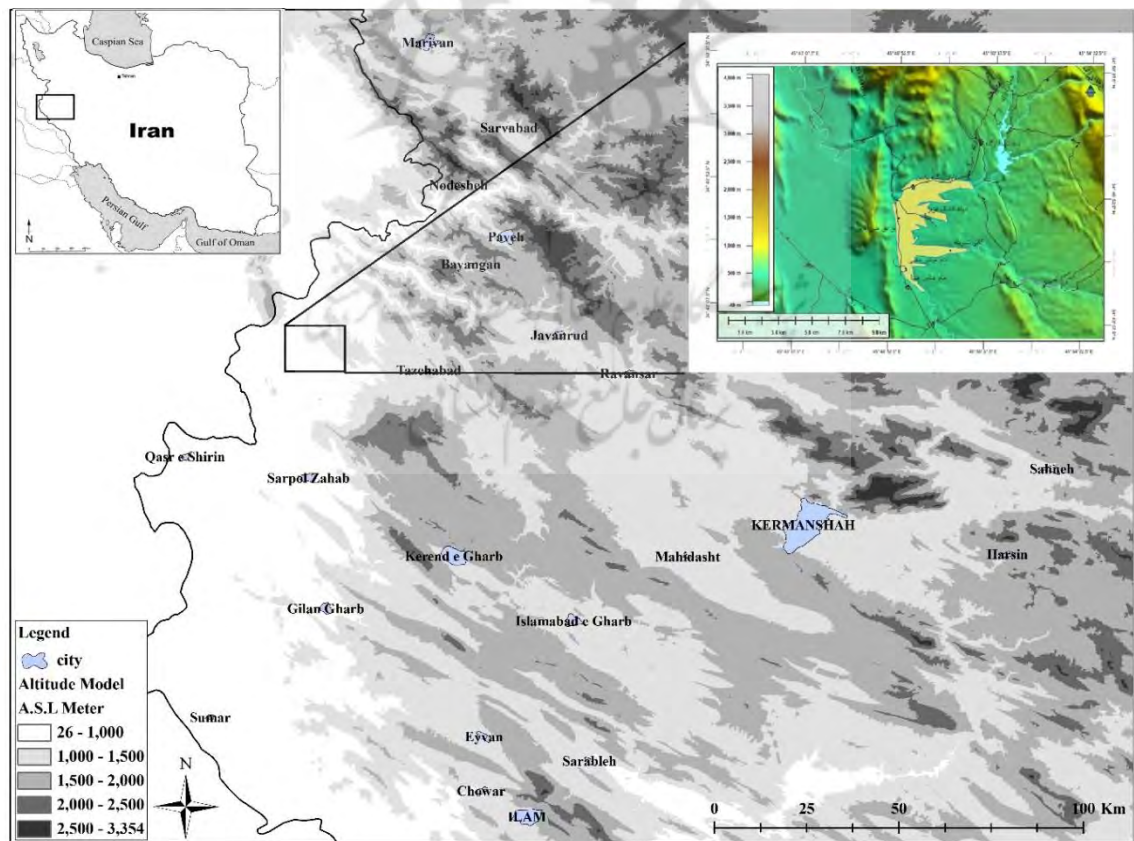
ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۲). *ایران در پیش از تاریخ*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Herzfeld, E. (1920). *Am Tor von Asien. Felsdenkmale aus Irans Heldenzeit*. Berlin: Dietrich Reimer.

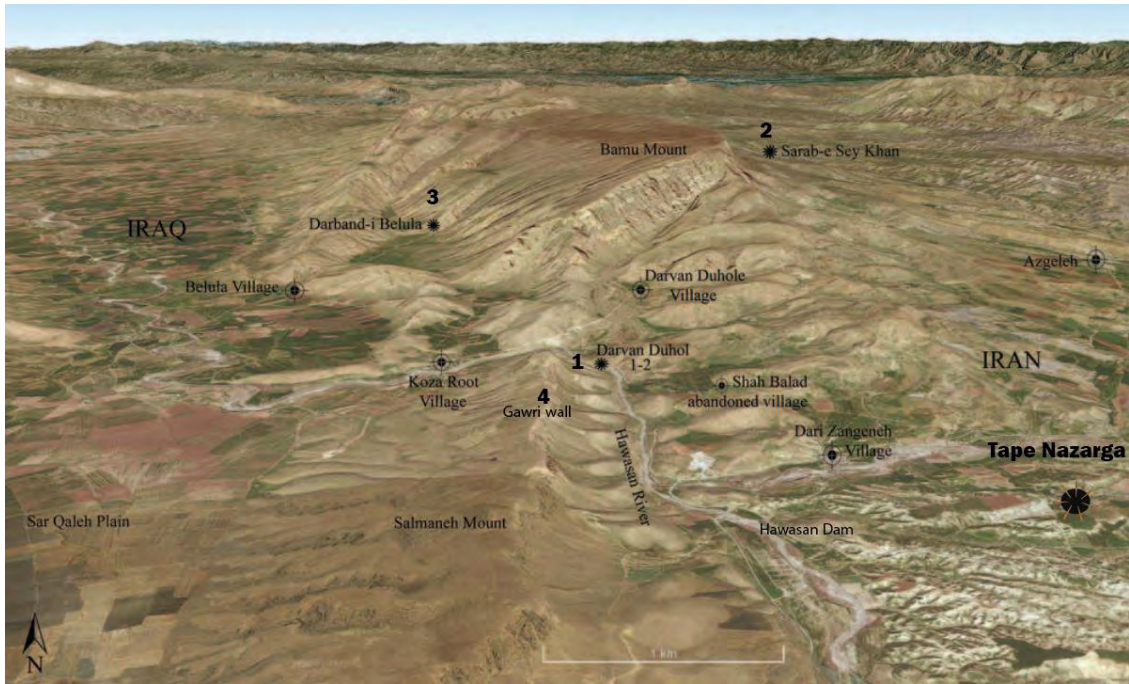
ضمایم



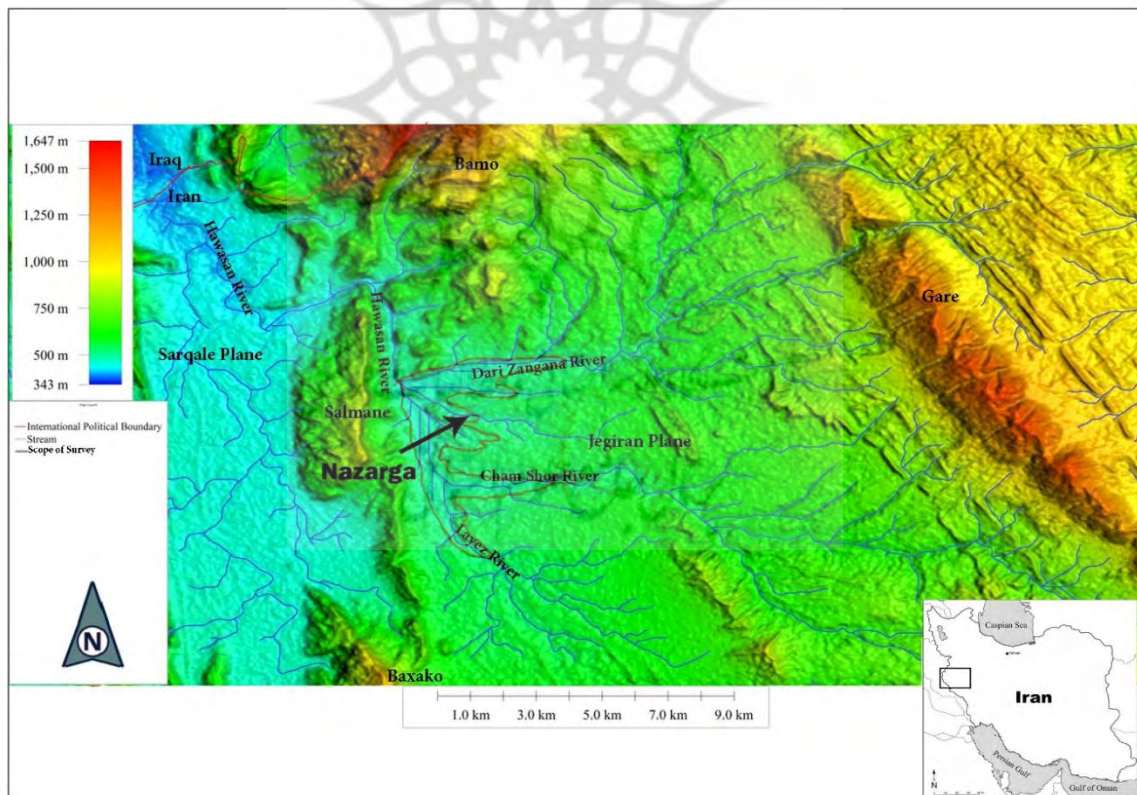
شکل ۱: موقعیت شهرستان سرپل ذهاب



شکل ۲: محدوده بررسی سد هواسان در شهرستان سرپل ذهاب



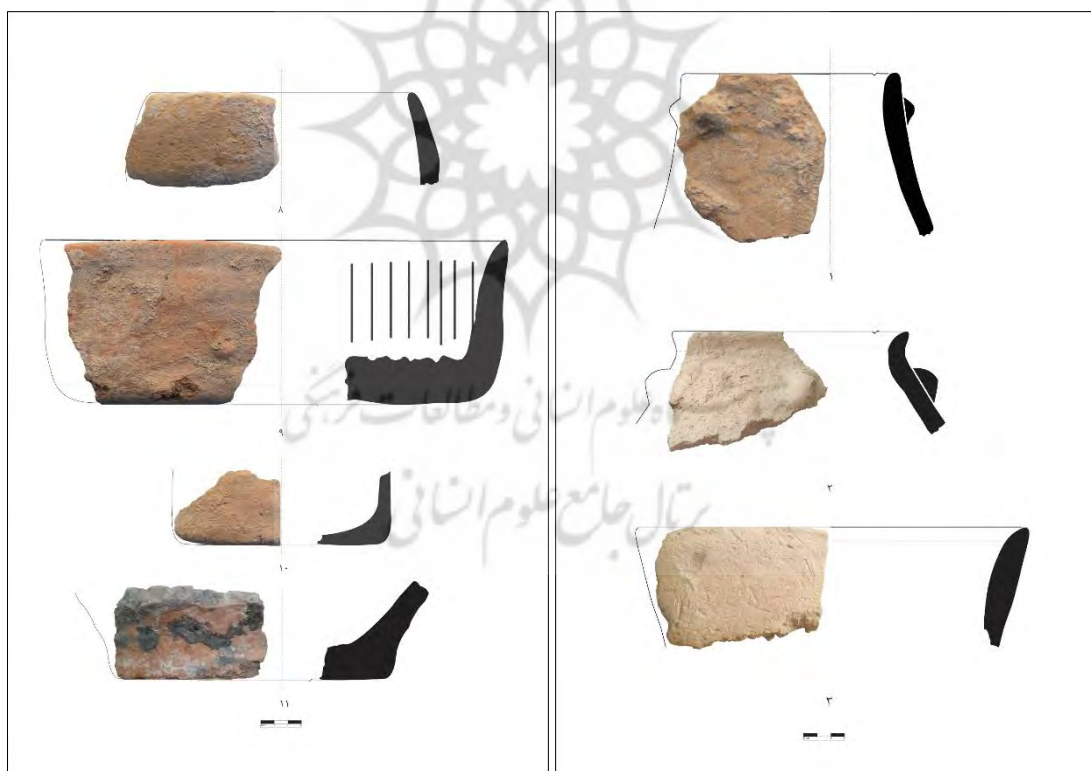
شکل ۳: آثار کشف شده در نزدیکی محدوده سد هواسان و موقعیت آن‌ها نسبت به تپه نظرگه. (۱) نقش برجسته‌های درون دهول. (۲) نقش برجسته سراب سی خان. (۳) نقش برجسته و کتیبه درون بیلوله. (۴) دیوار موسوم به دیوار گوری یا گورچن. (Alibegi et al., 2020)



شکل ۴: موقعیت تپه نظرگه در محدوده سد هواسان



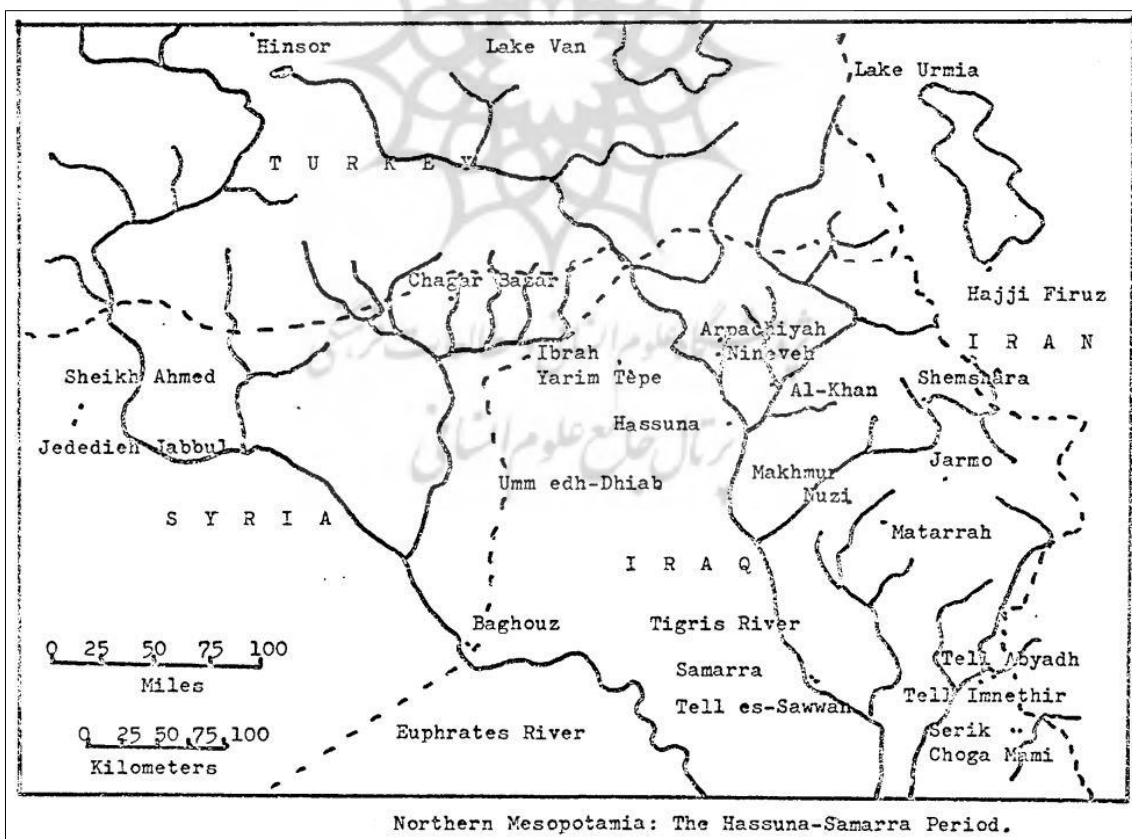
شکل ۵: تپه نظرگه دید از غرب



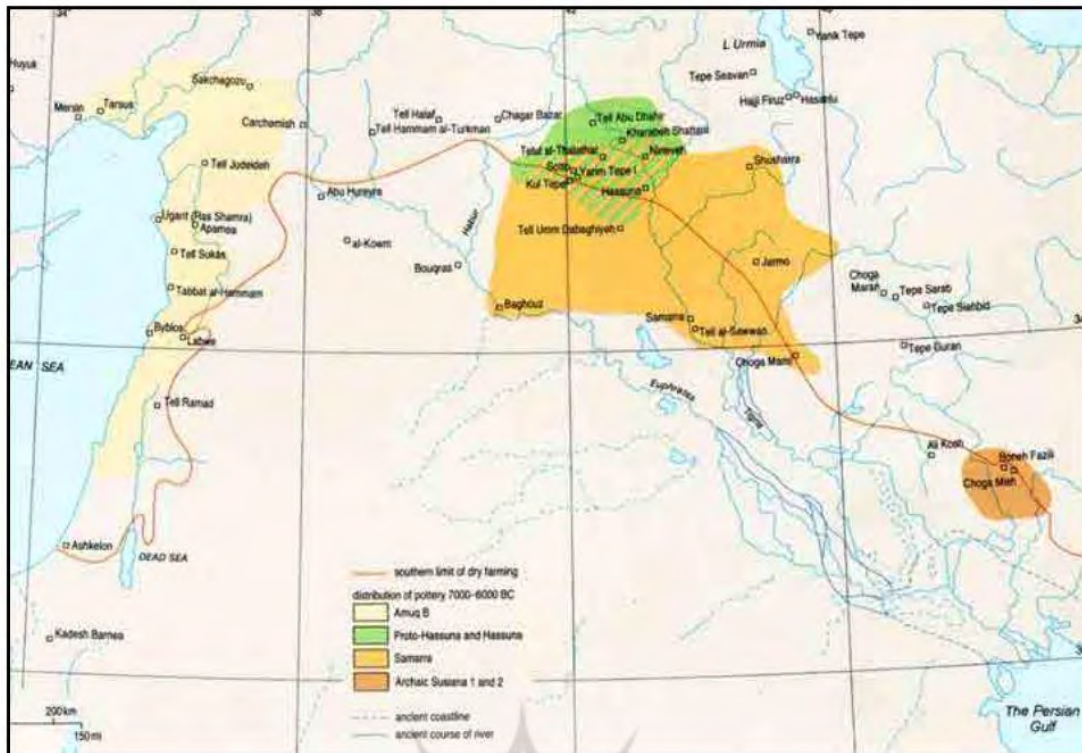
شکل ۶: سفال‌های به دست آمده از سطح تپه نظرگه



شکل ۷: سفال موسوم به سینی پوست کنی به دست آمده از سطح تپه نظرگه



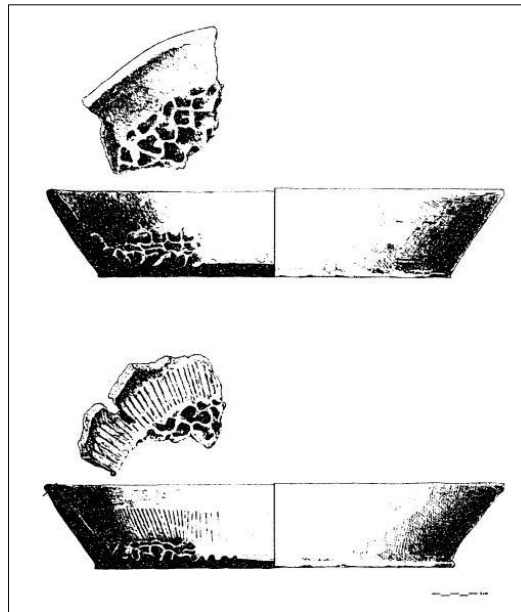
شکل ۸: پراکندگی محوطه‌های حسونایی در بین النهرین و شمال غربی ایران (Thompson 1933:34)



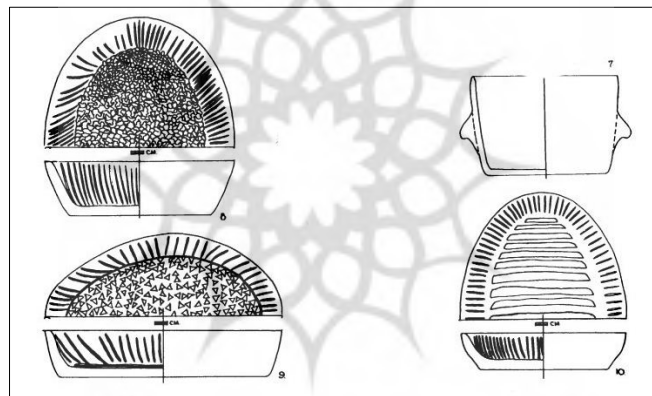
شکل ۹: پراکندگی محوطه‌های حسونایی در بین‌النهرین و شمال غربی ایران (Roaf, 1990)



شکل ۱۰: سینی‌های پوست‌کنی به دست آمده از تپه حسونا (Safar & Lloyd, 1945)



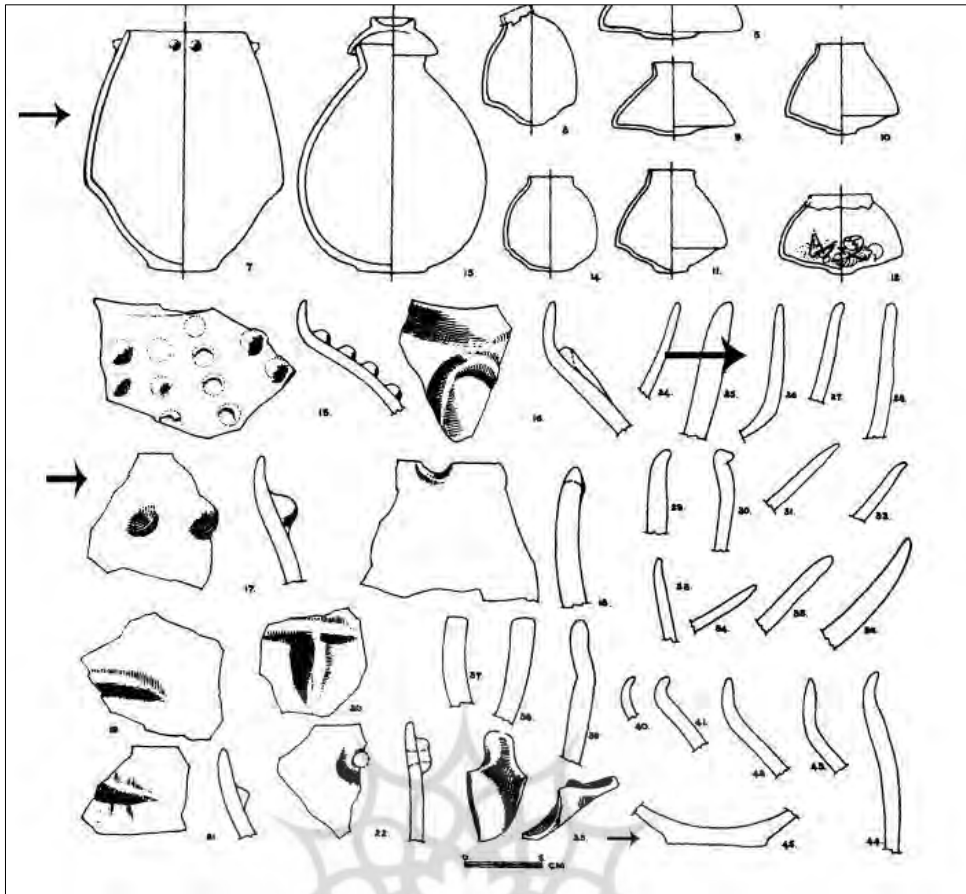
شکل ۱۱: سینی‌های پوست‌کنی به دست آمده از تپه حاجی فیروز (Voigt, 1983)



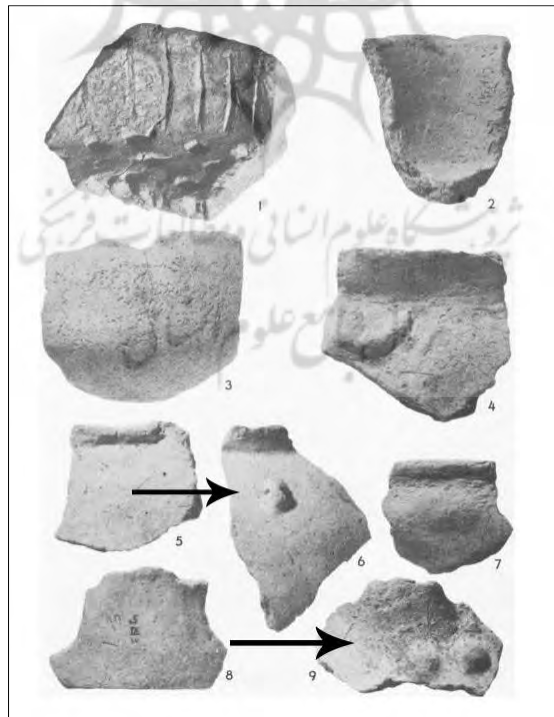
شکل ۱۲: سینی‌های پوست‌کنی به دست آمده از تپه حسونا (Safar & Lloyd, 1945)



شکل ۱۳: سینی‌های پوست‌کنی به دست آمده از تپه متارا (Braidwood et al., 1952)



شکل ۱۴: دیگر انواع سفال‌های حسونایی که از تپه نظرگه یافت شده است. سفال‌های مشابه با فلش نشان داده شده‌اند (Safar & Lloyd, 1945)



شکل ۱۵: انواع دیگر سفال حسونایی که از تپه متارا به دست آمده است (Braidwood et al., 1952)



Payām-e Bāstānshenās
Islamic Azad University, Abhar Branch
Print ISSN: 2008-4285
Online ISSN: 2980-9886
Vol. 14, No. 26, Spring & Summer 2022



Evidence of the presence of the Hassuna culture in the west of central Zagros (Tepe Nazarga, Sarpol-e-Zahab County)

Naser Aminikhah ¹, Farhad Fatahi ²

DOI: 10.30495/peb.2022.699719

Abstract

The Hassuna culture belongs to the Late Neolithic era, which spans the period of 6000-5300 BC and is considered one of the first village-dwelling cultures in Zagros. After the discovery and excavations at Tepe Hassuna in North Mesopotamia, due to the importance of the findings, this culture was considered an indicator of the early rural settlement of Zagros. So far, evidence of the Hassuna culture has been obtained in the northwest and recently in eastern Zagros, which shows the widespread of this culture. However, no evidence of Hassuna has been found in central Zagros, especially in its western regions. In the fall of 1400, a rescue survey of the Havasan dam area of Sarpol-e Zahab city was carried out under the supervision of Nasser Aminikhah. This research pursued various goals, one of the most important of which was to study the possible cultural interactions of the region with neighboring regions, especially Mesopotamia. One of the distinctive aspects of Hassuna culture is a type of pottery known as "peeling tray", which was obtained for the first time from layer 2 of Tepe Hassuna. The existence of peeling tray fragments on the observation hill answered our question about the existence of the connection between Zagros and Mesopotamia in one of the most important historical periods. In this article, in addition to introducing the cultural materials of Tepe Nazargah, we have also discussed the reasons for the importance of the area under investigation.

Keywords: Hassuna, Neolithic, Central Zagros, Sarpol Zahab.

* **Citation:** Aminikhah, N., & Fatahi, F. (2022). Evidence of the Presence of the Hassuna Culture in the West of Central Zagros (Tepe Nazarga, Sarpol-e-Zahab County). *Payām-e Bāstānshenās*, 14(26), 19-32. (In Persian)

¹ Ph.D. candidate in Archaeology, University of Tehran. Corresponding author: naseraminikhah@gmail.com

² Master of archaeology, Razi University, Kermanshah.